

نقش تربیتی الگوهای عدالت خواه در شکل گیری هویت دینی جوانان افغانستان^۱

مرضیه موحدی^۲

گل چمن احمدی^۳

چکیده

اهمیت عدالتخواهی در آموزه‌های شیعی به حدی است که عدل یکی از اصول مذهب به شمار می‌رود. بر علاوه گستره این مفهوم به میزانی است که تمامی عرصه‌ها را در بر گرفته و تحقق آن هدف رسول تلقی می‌شود.

مقاله حاضر با شناخت و معرفی شخصیت‌های عدالتخواه و چگونگی تأثیر آن بر فعالان فرهنگی، تبلیغی انجام شده است. در این پژوهش برای رسیدن به این منظور که الگوها چه نقشی در زندگی فعالان فرهنگی تبلیغی افغانستان ایفا نموده است. از روش کیفی و پدیدارشناسی بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد جوانان که با آنها مصاحبه صورت گرفت به سه گروه تقسیم شدند.

۱. کسانی که با الگوها و شخصیت‌های عدالتخواه آشنا بودند. اینها با دلیل فعالیت‌شان توانستند از شخصیت‌ها الگو گرفته و شناختی از آنها داشته باشند
۲. دسته دوم از جوانان شامل کسانی می‌شود که نه تنها شناختی از الگوها نداشته بلکه اسمی از آنها را نیز به خاطر نداشتند.

۳. دسته دیگری از جوانان تا حدودی در حد اسمی از شخصیت‌ها را به یاد داشتند. لذا آنها فعال نبودند. براساس هدف در این پژوهش فعالان مورد بررسی و مصاحبه صورت گرفتند.

واژگان کلیدی: تربیت، الگو، عدالت، عدالتخواهی، هویت و هویت دینی.

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۶.

۲- استادیار جامعه المصطفی العالمیه

۳- دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

عدالت و عدالتخواهی یکی از مهمترین پدیده در اجتماع به حساب می‌آید. همانگونه که خداوند عدالت را یکی از اصول دین قراردادده و همه کائنات براساس عدالت در چرخش بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است. در یک جامعه اسلامی بر آن است که عدالت برپا شده و حق و حقوق بقیه مراعات گردد. با استفاده از اهمیت و ضرورت عدالت ما در طول تاریخ شاهد بسیاری از کسانی بودیم که برای تحقق عدالت مبارزه کرده حتی در این راستا به شهادت رسیدند و بر افراد جامعه است که شناختی از آن شخصیت‌ها داشته باشند تا بتوانند برای خویش الگو قراردادده و در مسیر آنها حرکت نمایند. اما متأسفانه در این زمینه تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. براین اساس در تحقیق حاضر سعی شده است پس از معرفی شخصیت‌های عدالتخواه، تأثیر آنها بر برفعالان مورد بررسی قرار بگیرد.

به این ترتیب هدف پژوهش حاضر شناخت شخصیت‌های عدالتخواه و تأثیر آن بر فعالان فرهنگی تبلیغی افغانستان می‌باشد.

پیشینه تحقیقاتی

در مورد عدالت تحقیقاتی مختلفی انجام شده که از جمله پژوهش‌های چون عدالت و انواع آن که اندیشمندان تعاریفی از عدالت و عدالتخواهی از منظرهای گوناگون بیان نموده‌اند. جاویدی در کتاب قاموس عدالت، در مورد عدالت از منظرهای گوناگون اشاره کرده ولی در مورد الگوها چیزی بیان نکرده است. اخلاقی در کتاب قدرت و عدالت در فقه سیاسی در رابطه به عدالت چنین بیان نموده، «عدالت عبارت است از اینکه انسان در احوال خویش متعادل و متساوی باشد» (اخلاقی، ۱۳۹۰: ۲۲) ولی از انواع آن چیزی نگفته است. (سید قطب، ۱۳۹۲: ۴۲۹) کتاب عدالت اجتماعی در اسلام به عدالت اجتماعی از نظر قرآن اشاره کرده ولی هیچ مطلبی از عدالت خواهی در آن دیده نمی‌شود. و همینطور در تحقیقاتی دیگر به شخصیت‌های عدالتخواه اشاره‌ای نشده است. بنابراین با توجه به ضرورت تحقیق در این پژوهش به این سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود.

۱. الگوهای عدالتخواه چه کسانی هستند و میزان تأثیر آنها چقدر بوده است؟

۲. از چه شیوه‌های می‌توان الگوهای عدالتخواه را به جوانان معرفی نمود؟

روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش را خود فعالان فرهنگی تبلیغی افغانستان تشکیل می‌دهد، تعداد مشارکت کنندگان در تحقیق «ده نفر» بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه پیدا کرد از میان افراد شرکت کننده در پژوهش تعداد «چهار نفر» فعالان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های فقه و معارف اسلامی، کلام، روان‌شناسی تربیتی و «شش نفر» آنها کارشناسی و در رشته‌های کلام، فقه و معارف اسلامی بودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق استفاده شد. از مشارکت کنندگان خواسته شد تا زمان و مکان مصاحبه را به دلخواه خود تعیین کنند. زمان مصاحبه‌ها بین «۱۴» تا «۳۰» دقیقه بود با اجازه مشارکت کنندگان و با اطمینان از محرمانه بودن مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای ضبط صدا گوشی ضبط گردید. در طول پژوهش نیز از کد مشخصی به شیوه‌های استراوس، کوربین که عبارت است از کدگذاری باز، محوری، انتخابی، بجای اسامی مشارکت کنندگان استفاده گردید تا اصل رازداری در پژوهش رعایت شود. در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شد برای اطمینان صحت تغییر و تفسیر اطلاعات توسط شرکت کنندگان تأیید و تصدیق شد.

در این پژوهش به این سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود:

۱. الگوهای عدالتخواهی را که فعالان فرهنگی تبلیغی انتخاب کردند چه ویژگی‌های دارد؟

۲. نحوه اثرگذاری الگوهای عدالتخواه بر فعالان و شیوه آشنایی آنها چگونه بود؟

مفهوم شناسی

الگو

تقلید از الگوهای مقبول بزرگان هر جامعه از پدیده‌های رایج جامعه بوده و اکثریت مردم مقلد پدر و مادر، معلمان و دانشمندان حاکمان و زمامداران، پیشوایان دینی و مذهبی سیاسی و اجتماعی، نامداران و قهرمانان و در کل پیرو

شخصیت‌های برجسته عصر و زمان خود هستند. این نوع تأثیرگذاری اگر در مسیر نادرست هدایت شود، منجر به شخصیت‌زدگی و عقب‌ماندگی جامعه و افراد جامعه می‌گردد. چون اغلب الگوهایی مورد تقلید قرار می‌گیرند که ویژگی‌ها و خصوصیات یک الگو را ندارند. (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۲)

بنابراین باید الگوی درستی را انتخاب کرد زیرا الگو نقشی سازنده در زندگی افراد دارد. الگو بر تربیت افراد خیلی تأثیر دارد.

الگو کسی است که فرد می‌خواهد شبه آن شود و اعمال و رفتار او را سرلوحه خود قرار دهد.

الگو کسی باشد که در تمام عرصه‌های زندگی موفق بوده و خللی در کارش دیده نشود.

الگو کامل در تربیت

خداوند پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام را به عنوان الگوهای کامل و جامع در تمام امور زندگی بشری معرفی کرده است چون الگو تربیتی برای انسان‌ها بهترین وسیله برای انگیزه بخشیدن، هدایت شدن و جهت دادن است.

پس چه خوبست افراد برای الگوگیری و تقلید و تبعیت از آنها ترغیب و تشویق شوند. چنانچه قرآن هم در این زمینه می‌فرماید: «قدکانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معه...» برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم علیه‌السلام و کسانی که با او بودند وجود داشت.

و قرآن کریم در مورد اسوه بودن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز چنین می‌فرماید: «لقدکان لکم فی رسول الله اسوه حسنه عن یرجوا الله و الیوم الاخر و ذکرالله کثیرا» (ممتحنه: ۴) مسلماً برای شما در زندگی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عملکرد او (جنگ احزاب) سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کند. (احزاب: ۲۱)

اما اگر ما یک نگاهی به اطرافمان ببینیم شاهد کسانی دیگری به جزء الگوهای کامل هستیم که می‌تواند برای ما الگو باشند و الگوهای عدالت‌خواه از این جمله هستند.

عدالت

عبارت است از هر چیزی و نیروی حقی دارد به حقش برسد و در جای که

شایسته است قرار بگیرد. و یا به عبارت دیگر قراردادن هر چیز در جای مناسب خودش عدالت نامیده می‌شود.

بنابر تعریف عدالت شایسته است که آن را از نظر اندیشمندان تعریف و بررسی کنیم، نخست به اندیشمندان غرب می‌پردازیم.

عدالت در اندیشه غرب

افلاطون که یکی از اندیشمندان غربی است در مورد عدالت چنین می‌گوید. عدالت آن است که هرکس کار مخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران مداخله نکند. عدالت در کشور وقتی حکمفرما می‌شود که هرکس در هر طبقه‌ای که است به کار خود بپردازد. (اخلاقی، ۱۳۹۰: ۳۱)

ارسطو: عدالت از نظر این اندیشمند غربی همانند تعریف افلاطون است با این تفاوت که ارسطو قائل به اختلاف طبقاتی در عدالت است و می‌گوید: «عدالت آن است که هر طبقه به صورت مساوی و برابر با آن‌ها رفتار شود، در اجتماع طبقه فرمانروا، سربازان و برده‌ها وجود دارد و معتقد است که در هر طبقه باید طبق شایستگی و لیاقت افراد آن به صورت عادلانه رفتار شود. اندیشمند دیگر غربی بیشتر بر تأمین جنبه‌های مادی زندگی انسان از قبیل امنیت، رفاه، آسایش و لذت‌طلبی تأکید دارند. (اخلاقی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۱) اینچنین تعریف از نظرمکتب اسلام مخدوش است زیرا تنها رویکرد مادی و دنیوی را می‌بیند و بر ابعاد معنوی انسان‌ها توجه ندارند. چون انسان متشکل از دو بُعد است مادی، معنوی که غرب بُعد معنوی را نادیده می‌گیرد.

عدالت در اسلام و اندیشمندان مسلمان

عدالت در سیره نبی اکرم ﷺ در امور حکومتی‌اش با تدبر و عادل بود حتی با برخورد با دشمن هم عادلانه رفتار می‌کرد و همواره دوستدار اخوت و برادری در بین مردم بود و در آن زمان جاهلیت که اشرافی‌گری، تعصب‌های خرافی و غرور قبیله‌ای و جدایی قشرهای گوناگون مردم را از همدیگر جدا کرده بود و پیامبر گرامی اسلام ﷺ با آدم‌های پایین قبیله‌ای و زورمندان اخوت ایجاد کرد و آنها هم با کمال میل قبول کردند.

در کتاب عدالت و سیاست شریعت در مورد عدالت پیامبرگرامی اسلام ﷺ چنین آمده است: (فرمایش خدا به پیامبر اکرم ﷺ برای اقامه عدل، فرمایش

پیامبر به عدالت خودش، فرمایش سایر ائمه علیهم السلام در مورد عدالت پیامبر، توصیه پیامبر بردیگران برای پایبندی به عدالت در خصوص نکته نخست قرآن کریم به صراحت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد که عدل ورزد و این مسأله را که امر به عدالت با مردم در میان گذارد. همچنین خود پیامبر می‌فرماید که من مأمور و سفارش شده‌ام که در هر حال به عدالت رفتار کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد عدالت خودشان نیز در خطاب به مردم قسم یاد می‌کند که بعد از این، کسی عادل‌تر از من بر خود نخواهد یافت و همواره پیامبر صلی الله علیه و آله عدل می‌ورزید و خود ایشان هم فرمود اگر من عدل نورزم پس کی عدل می‌ورزد. سایرین نیز سخن‌هایی گفته‌اند که مهم‌ترین آن فرمایشات از حضرت علی علیه السلام است امام علی علیه السلام تصریح می‌فرماید که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله در تمام امور و اقداماتش به عدالت رفتار کرد حکومتش، داوریش عدل بود و نیز فرمود رسول جاهلیت را باطل کرد و با شیوه عدالت با مردم روبرو شد. (شریعت، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰)

عدالت در سیره امام علی علیه السلام

حکومت امام علی علیه السلام تنها حکومتی بود که در طول تاریخ در رأس آن قدرت سیاسی آن امام معصوم قرار گرفته است امام علی علیه السلام جامعه اسلامی را با حوادث سیاسی متعدد و پیچیده‌ای رهبری می‌نمود شکی نیست که عدالت به عنوان مسئله همه‌جانبه در سیاستگذاری حکومتی برای نخستین بار در تاریخ پس از گسترش در سایر تمدن‌ها در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام بنیانگذاری گردید. (رحمانی، حاتمی، ۱۷-۸۸)

بعد از حکومت امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و بعد از ایشان امام حسین علیه السلام برای عدالت‌خواهی قیام نمودند و این سیر همین طور ادامه دارد و هیچ وقت زمین بدون عدالت‌خواه نخواهد بود که سرانجام به عدالت‌خواهی حضرت حجت ختم خواهد شد.

همچنان در بحث عدالت اندیشمندان دیگری مسلمان نیز تعریف‌های دارند از جمله:

عدالت در سیره امام خمینی

اصول اساسی امام تأمین عدالت اجتماعی و نجات محرومین و مستضعفین جامعه می‌باشد. و نظام اسلامی در مکتب امام خمینی نظام عدل و ایمان، عقل،

آزادی و مردم‌گرایی است.

لذا اصول امام اصول اسلامی است، عدالت امام عدالت اسلامی است، مردم‌سالاری امام، مردم‌سالاری اسلامی است. و آرمان‌های را که امام خمینی بیان می‌کند عبارت است از، مبارزه با استکباری جهانی، حفظ اعتدال قاطع در خط «نه شرقی و نه غربی» اسرار فراوان بر استقلال حقیقی، ایجاد وحدت و همبستگی، توجه به ملت مسلمان و مظلوم دنیا، ایجاد قسط و عدل در جامعه اسلامی، حمایت از مظلومان می‌باشد. (جاویدی، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۸۲) بنابراین امام یکی از شخصیت‌های بود که هدف آن عدالت‌خواهی و برپایی نظام اسلامی بود اندیشمند دیگری در مورد عدالت چنین بیان می‌کند.

با توجه به اهمیت عدالت می‌پردازیم اینکه عدالت‌خواه چه کسی می‌تواند باشد عدالت‌خواه به چه کسی گفته می‌شود: به کسی می‌توان عدالت‌خواه گفت که از بین مردم برخاسته برضد ظالمین و برای آرامی مردم و احقاق عدالت قیام کند.

هویت

هویت به معنای آنچه موجب شناسایی شخص یا چیزی می‌شود و همچنان به معنای یکی شدن با ذات یا یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر است بحث هویت به معنای جدید که از طریق اروپایی به زبان فارسی وارد شده است. لذا مترجمانی که واژه identity هویت را از متون لاتین به فارسی ترجمه کرده‌اند از معادل‌هایی نظیر این همانی و همانستی استفاده کرده‌اند و برای متضاد آن واژگانی از قبیل بی‌خویشتنی از خودیگانگی بی‌هویتی و بی‌خودی را بکار برده‌اند. (ریوفی، ۱۳۸۹: ۷) با استفاده از تعاریفی در مورد واژه هویت بیان گردید به تعریف اصطلاحی آن می‌پردازیم:

هویت از نظر اصطلاحی آن میان اشیا و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد از یکسو شباهت و از سوی دیگر تفاوت بنابراین تعریف هویت از نظر اصطلاح عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه به معنایی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت می‌کند.

و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص قابل قبول و آگاهانه و از سایر گروه و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌سازد. (ریوفی، ۱۳۸۹: ۷-۸).

هویت در انواع فردی، جمعی، دینی و... قابل تقسیم و بررسی است که البته شرح آندر این مجال نمی‌گنجد.

یافته ها

یافته‌ها نشان می‌دهد با توجه به سؤال اول پژوهش فعالان الگوهای مانند شهید عبدالعلی مزاری، شهید مصطفی کاظمی، امام خمینی، شهدای مدافعان حرم (مثل شهید محمدرضا اسماعیلی، شهید توسلی، شهید فاتح، شهید برونسی، شهید حجتی، شهید اسماعیل بلخی، شهید اباحامد) و احمدشاه مسعود، رمضان بشردوست، پکتاش سیاوش، اسدآبادی محمد کاتب هزاره، واعظ زاده بهسودی را نام بردند و از جمله این شخصیت‌ها که همه فعالان آنها را مدنظر داشتند و افراد شاخص بودند امام خمینی، عبدالعلی مزاری، مصطفی کاظمی و بعضی از شهدای مدافع حرم، توسلی، فاتح در بین فعالان به عنوان افراد برجسته شناخته شده بودند.

۱. شهید عبدالعلی مزاری: عبدالعلی مزاری یکی از چهره‌های سیاسی افغانستان که در سال (۱۳۶۹) ش، با تشکیل ائتلافی از احزاب سیاسی شیعه در بامیان، مردم هزاره را در قالب حزب وحدت اسلامی افغانستان به صورت نیروی یکپارچه، و برجسته وارد مناسبات سیاسی افغانستان کرد. او در سال (۱۳۵۱) ش، وارد ایران شد. سال‌ها به تحصیل در حوزه علمیه قم پرداخت و در انقلاب اسلامی ایران مشارکت داشت. مزاری در سال (۱۳۶۸) به افغانستان بازگشت اوج فعالیت‌های مزاری، در سه سال اخیر زندگی او در کابل بود که منجر به شهادت او در سال (۱۳۷۳/۲/۲۲) توسط طالبان می‌گردد. از جمله فعالیت‌های برجسته شهید مزاری، قبل از سازمان نصر اولین فعالیت‌های سیاسی عبدالعلی مزاری در قالب حزبی را می‌توان مربوط به اوایل سال (۱۳۷۳) در حزب حسینی دانست. ایجاد و برپایی حکومت اسلامی و مبارزه براساس مبانی اسلامی، از رویکردهای اصلی شهید مزاری در حزب حسینی بوده است. سازمان نصر از قدیمی‌ترین سازمان‌های شیعه در افغانستان محسوب می‌شود که از اندیشه‌های امام خمینی پیروی می‌کرد، عبدالعلی مزاری، محمدکریم خلیلی، میرحسین صادقی، عزیزالله شفق، یوسف واعظی، محمدناطقی و... عضوی شورای رهبر آن بودند.

تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان، دومین فعالیت است که شهید مزاری

انجام داد. سرانجام در سال (۱۳۷۳ / ۸ / ۲۲) توسط طالبان به شهادت رسید. (جاوید ۱۳۹۵)

۲. شهید سید مصطفی کاظمی: شهید کاظمی، رهبر جهادی، وزیر اسبق تجارت و صنایع نماینده پارلمان و رئیس کمیسیون اقتصادی ملی پارلمان افغانستان بوده است. فعالیت شهید مصطفی کاظمی در دوران جهاد ابتدا در قالب جریان تازه تأسیس و ناشناخته‌ای اسلام مکتب توحید فعالیت خویش را آغاز نمود و سپس از اختلاف درون تشکیلاتی و اضمحلال این حزب همواره با دیگر شخصیت‌های مطرح جهادی، به پایه‌گذاری حزب پاسداران جهاد اسلامی افغانستان پرداخت که رهبری آن را محمد اکبری عهده‌دار بود. با پیروزی جهاد مردم افغانستان و خروجی قطعات نظامی شوروی و ضرورت ایجاد یک تشکیل سیاسی فراگیر، همچنین برای جلوگیری از جنگ‌های خونین داخلی، سید مصطفی یکی از بانیان اصلی طرح وحدت احزاب متعدد شیعی به شمار می‌رفت که فرد طراح و امضاکننده میثاق وحدت بوده که باعث شکل‌گیری حزب وحدت اسلامی افغانستان گردید. حزب وحدت با آنکه از احزاب و گرایش متعدد به وجود آمده بود که در یک فرآیند دموکراتیک و با حسن نیت کامل نسبت وحدت و اقتدار مردم. عبدالعلی مزاری را که حزب کوچکی بنام سازمان نو بود با حمایت قدرتمندترین جریان شیعی یعنی پاسداران جهاد اسلامی به رهبری این تشکل جدید انتخاب نمودند. شهید کاظمی در این تحول جدید عضویت شورایی مرکزی این حزب را کسب نموده در آستانه سقوط حکومت دکتر نجیب‌الله آقای کاظمی در موضع محکومیت جنگ قرار گرفته و تلاش‌های بی‌وقفه‌ای برای ایجاد صلح و آشتی میان طرف‌های درگیر انجام داد. در آستانه انتخابات ریاست حزب، به رقابت درون حزبی بحران بی‌اعتمادی در حزب وحدت تبدیل گردید که همین امر سبب کودتا درون حزبی به رهبری عبدالعلی مزاری و انتخاب حزب وحدت اسلام به دو شاخه گردید. آقای کاظمی در انتخاب رئیس کمیته نظامی حزب وحدت جناح اکبری شد و بادولت برهان‌الدین ربانی وارد ائتلاف شد. همکاری شهید کاظمی با احمدشاه مسعود همواره ادامه داشت و پس از سقوط کابل به دست طالبان، در جبهه متحد اسلامی برای نجات افغانستان صحنه دیگری همکاری‌ها رقم خورد. کاظمی پس از سقوط طالبان در کنفرانس بن حضور داشت. و یکی از امضاکنندگان توافقنامه بن بود. ولی در دولت موقتی و

دولت انتخابی وزیر تجارت افغانستان بود. پس از تعیین دولت انتخابی وی حزب اقتدار ملی را بنیان نهاد که به عنوان رهبر حزب انتخاب شد. و در پانزدهمین دوره مجلس نمایندگان افغانستان توانست از طرف نماینده مردم کابل به پارلمان حضور یابد و به عنوان رئیس کمیسیون اقتصاد ملی پارلمان تعیین شد. وی همچنین با تلاش مجدانه در کنار سایر شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی جبهه ملی را پایه‌گذاری نموده و به عنوان رئیس کمیسیون سیاسی و سخنگوی جبهه ملی برگزیده شد و سرانجام در تاریخ پانزدهم عقرب (۱۳۸۶) در ولایت بغلان به شهادت رسید. (عادلی حسینی، ۱۳۸۷: ش ۳۱۰)

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی (امام خمینی: اولین رهبر فقیه نظام جمهوری اسلامی ایران و از مراجع تقلید شیعه بود که انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران را بنیانگذاری و تا پایان عمر رهبرش بود.

امام خمینی در راه عدالت‌خواهی و گسترش دین اسلام فعالیت‌های زیادی را انجام داد که از مهمترین فعالیت ایشان همانطوری که ذکر کردیم تشکیل انقلاب اسلامی بود که بر علیه ظالمان عصر خود یعنی شاه مبارزه کرد و به پیروزی رسید. ۴. احمدشاه مسعود: ایشان یکی از فرماندهان مجاهدین و وزیر دفاع اسبق افغانستان بود فعالیت‌های عمده که ایشان انجام داد. ایستادگی در مقابل رژیم کمونیسم بود مسعود با تشکیل عده از مجاهدین و ایجاد کردن شورای نظار که یکی از مهمترین تشکلهای نظامی و چریکی که علیه اشغال شوروی بود ایجاد کرد و با آنها مقابله نمود و از ۸ حملات متجاوزین در پنجشیر جلوگیری نمود و به شکست کامل انجامید.

۵. مدافعان حرم: متوسلان راه شهادت، اینها ثابت کردند که شهادت فقط مختص دوران مقدس نیست آنان با توسل به حق و ایمان به اعتقاد خویش در میعادگاه عاشقان گام برداشتند و در این راه نام جاویدان یافتند.

اینها جمعی از کسانی بودند که برای هدف مشترک عدالت‌خواهی قیام کردند و برای جهانیان ثابت نمودند که مسلمانان باهم متعهد هستند و دین اسلام همه‌جا پابرجاست و نسل جوان آن همواره بیدارند.

با استفاده از این فعالیت‌های که در مورد شخصیت‌های ذکر کردیم از نظر فعالان اینها دارای این ویژگی ذیل بودند که فعالان آنها را به عنوان الگو انتخاب

کردند.

۱. هدف قرار ندادن دنیا: حقیقت قضیه این است که زندگی انسان، وقتی معنی پیدا می‌کند که این زندگی در راه یک هدف مقدس مصرف شود زندگی که هدف مقدس و الهی را دنبال می‌کند هرگز به دنیا جزء رسیدن به قرب الهی و ابزاری برای آن نمی‌بیند و همواره تلاش می‌ورزند برای مجاهدت در راه خدا.

۲. بی‌مرز بودن: یکی از ویژگی‌های که فعالان روی آن تأکید داشتند قرار ندادن مرز جغرافیایی الگوهایشان بود و عنوان کردند که الگوهای را که برایشان انتخاب نمودند فرقی نمی‌کند که کجا باشد هر گوشه‌ای از دنیا ظلمی واقع گردد اینها قیام می‌کنند.

و نمونه بارز آن امام خمینی را ذکر کردند که نه تنها برای کشور ایران یک الگو است بلکه در تمام دنیا به عنوان یک پیشوا و مقتدا می‌باشد.

نمونه دیگری آن را مدافعان حرم ذکر کردند که برای هدف مشترک از همه کشورها برعلیه ظالمان عصر ایستادگی نموده و سرانجام پیروزی نصیبشان گردیدند.

۳. روحیه ایثارگری: فعالان ویژگی دیگری الگویشان را ایثار معرفی نمودند که تمام زندگی خویش را برای احیای دین اسلام و عدالتخواهی ایثار نمودند.

۴. دینداری: یکی از ویژگی این الگوها دینداری است، اعتقاد و توکل به خدا سرلوحه زندگی اینها قرارداد و برای احیای دین بر اینکه اسلام و دین اسلام پایدار بماند حرکت می‌کنند و تلاش برای متعهد کردن مسلمانان و جنگیدن برعلیه باطل که یکی از هدف‌های اساسی الگوها محسوب می‌شود.

۵. ظلم ستیزی: در بسیاری از جوامع مشاهده می‌شود که بعضی افراد به خاطر منافع مادی خود به افراد جامعه مخصوصاً زبردستان خود ظلم می‌کند و اکثر افراد جامعه مورد ظلم قرار می‌گیرد و این شخصیت‌ها برای ریشه کردن ظلم در جامعه ایستادگی نموده و از مظلومین دفاع می‌کنند.

۶. روحیه انقلابی داشتن: یکی از ویژگی که فعالان برای الگوی خود نام بردند روحیه انقلابی داشتن است که بر خود فعالان خیلی تأثیرگذار بوده و با الگوگرفتن از شخصیت‌های عدالتخواه همواره تلاش می‌ورزند که همیشه روحیه انقلابی داشته و دارد و برای انقلابی شدن هرکاری را انجام می‌دهند تا انقلاب اسلامی را حفظ

کنند.

۷. هویت بخشی: این الگوها همواره تلاششان بر این است که هویت اسلامی را حفظ کنند و مانع هجوم بیگانگان در کشورهای اسلامی شوند. با این ویژگی‌های که ذکر کردیم فعالان اینها را به عنوان یک الگو انتخاب کردند و تلاش بر ایندارند که در راه الگوهای خود فعالیت کنند و ویژگی‌های که آنها پیروی می‌کردند انجام دهند. با توجه به سؤال دوم پژوهش اینکه الگوها چگونه بر جوانان اثر گذاشته است بحث صورت می‌گیرد.

۱. **تغییر سبک زندگی:** فعالان بیان کردن از وقتی که شخصیت‌ها و الگوها را انتخاب نمودند و شبیه آنها شده‌اند به کلی آن رویکرد زندگی‌شان را که قبلاً داشتند تغییردادن و در مسیر آنها قرار گرفتند و یک الگوی تمام عیار هم از نظر اعتقادی، رفتاری، اخلاقی هستند و همچنان اظهارنظر کردند حتی آن باورهای که قبل از انتخاب الگوداشتند با حالا فرق کردند قبلاً تنها به این باور بودند که فقط الگو می‌تواند ائمه باشد و دیگران را نمی‌توان به عنوان سرمشق انتخاب کرد از یک سو ائمه معصوم هستند شبیه شدن به آن امکان ندارد و بعد از آشنایی با اینها به این باور رسیدن که می‌توان الگویی از هم عصر خود انتخاب کرد چون هم رفتار و عمل آنها را می‌بینند و هم الگوگیری از الگوهای کامل دارند.

۲. **امیدداشتن:** فعالان بیان کردند که عدالت‌خواهان برایشان یک امیدی را زنده کردند که می‌توان حرکت کرد و انقلابی، و زندگی انقلابی داشت و دیگر از الگویشان یاد گرفتند که در مقابل دشمن ایستادگی کنند و از مظلوم دفاع نمایند چون الگوداشتن به منزله تلاش کردن و فعالیت کردن به سمت آن است. بنابراین فعالان شیوه‌هایی را برای آشنایی الگوها و اینکه خودشان چگونه آشنا شدند بیانداشتند.

شیوه‌ها و راه‌های آشنایی الگوها

فعالان با این روش‌ها با الگوهایشان آشنا شدند (دوستان، تلویزیون، کتاب، عکس‌ها و بنر، فضای مجازی، رسانه‌ها، نشر زندگینامه، الگوها، شعارها، آثار از الگوها، سخنرانی‌های پیرامون الگوها، اساتید، خانواده‌های شهدا) از بین این‌ها شیوه‌هایی که برای معرفی الگوها مؤثر است و فعالان هم تأکید زیادی بر اینها

داشتند.

۱. کتاب: کتاب می‌تواند روش خوبی برای معرفی الگوها باشد از این طریق می‌توان آن شخصیت را که به عنوان یک الگو انتخاب کنی پیدا کرده انتخاب می‌کنی. این روش کتابخوانی هم اطلاعات جوانان را زیاد می‌کند و هم یک سیر مطالعاتی کتابخوانی در جامعه پیدا می‌کند الحمدلله عصر امروزی همه باسواد هستند. و کتاب یک اثر ماندگار برای بشر است که نسل‌های بعدی با الگوهای که قبل از آنها بودند آشنا می‌شوند و نسل در نسل از آن استفاده می‌کنند و برای جوانان ما یک انگیزه ایجاد می‌شود که از زندگی آنها الگو بگیرند و فعالیت‌های که آنها انجام دادن اینها هم ادامه بدهند. و بر جوانان است که اگر در جامعه یک شخصیت عدالت‌خواه را مشاهده می‌کنند در مورد آن بنویسند چون نوشتن همیشه پابرجاست اگر نوشته نشود به فراموشی سپرده خواهد شد و همه از این الگوها بی‌خبر خواهد بود.

حتماً اثری برای جوانان از الگوها باقی باشند و جوانان همواره دوست می‌دارند که چه افرادی قبل از آنها زندگی کرده و چه فعالیت‌های را انجام داده تا اینها هم به آن سمت حرکت کنند یکی از ویژگی جوان الگوپذیریست چه بهتر که الگوی خوبی را برایشان انتخاب نمایند. بنابراین کتاب یک وسیله خوبی برای معرفی پیشنهاد می‌شود.

۲. خانواده: شیوه دیگری که فعالان آن را انتخاب کردند خانواده می‌باشد. نهاد خانواده خیلی مؤثر برای جوانان هست. همین والدین است که می‌کوشد چگونه فرزندی را تقدیم جامعه کند. پدر و مادر روحیات جوان خیلی تأثیر دارد. بنابراین همانطوری که مصاحبه شونده‌گان بیان کردند یکی از کسانی که باعث شدند الگو برای خودشان برانگیزند والدین آنها بودند خانواده‌ها با آوردن عکس شهدا و معرفی برای جوان می‌توانند معرفی از الگوها داشته باشند. یکی از فعالان بیان می‌دارد که با آوردن عکس یکی از الگوها توسط پدرشان در منزل حس کنجکاوی خودش توانستند نبال الگوها برونند و برای خود الگو انتخاب نماید.

۳. اساتید: سومین شیوه که در نظر فعالان برای معرفی الگوها مد نظر بود اساتید می‌باشد. بیان داشتند که اساتید در مدرسه اگر معرفی داشته باشند خیلی مؤثر واقع می‌شود. چون اساتید نسبت به خانواده‌ها آگاه‌تر هستند. می‌توانند برای

جوانان کتاب معرفی کنند .

و دیگر اینکه اساتید برای جوانان معرفی از کتاب داشته باشد و برای جوانان وظیفه بدهند که عکس‌ها و بنرهای از الگوهایشان را بیاورند و برای دیگران معرفی داشته باشد هم خود آن جوان را تشویق می‌کند و هم دیگران به الگوها میل پیدا می‌نمایند.

چنانچه یکی از فعالان چنین می‌گوید: «من کلاس هفتم بودم استادم در مورد امام خمینی صحبت می‌کرد و من هیچ شناختی نداشتم بعد از آن در مورد امام بیشتر مطالعه کردم و شد یکی از الگوهای زندگیم.»

۴. فضای مجازی: یکی از راه‌های دیگری که فعالان بیان کردند فضای مجازی است که خیلی از جوانان ما حداقل مدتی از وقتشان را روی فضای مجازی می‌گذرانند. فعالان این شیوه را خیلی مؤثر تلقی می‌کنند و خودشان هم برای معرفی از این ابزار استفاده می‌کنند عکسی را به روی پروفایلشان قرار می‌دهند چون دیگران بادیدن عکس حس کنجکاوی پیدا نموده و در مورد آن سؤال می‌پرسند از این طریق الگوهای خود را بهتر معرفی کرده‌اند. به نظر تنها کاری که جوانان می‌کنند همین گذاشتن عکس و چند مطلبی نوشتن در مورد الگو است. جزء این شیوه‌های دیگری هم است اما این روش‌ها خیلی مؤثر و بهتر واقع می‌شود.

بنابر آنچه که ذکر گردید الگوها بر جوانان و فعالان تأثیرات زیادی در زندگیشان گذاشتند و فعالان همواره تلاش براین دارند که به سمت الگوهای خویش حرکت کرده و آنها را در راه هدف که می‌خواهند به آن برسند سرمشق قرار می‌دهند و فعالان سبک زندگی و رفتاری خویش را شبه الگوها قرار داده از هر نظر خواهان تغییر به سمت الگوها هستند. بعضی از فعالان عنوان کردند که شخصیت‌ها از نظر اعتقادی بر آنها مؤثر بوده طرز دعا کردن، توسل کردن را از الگوها آموختند. و همچنان فعالان از الگوهای خویش عکس‌های دارند و توسط این عکس‌ها برای الگوها تبلیغ و معرفی می‌کنند.

بنابراین این الگوها در زندگی جوانان خیلی تأثیرگذار بودند و می‌خواهند ادامه دهنده راهشان باشند و عکسی از آن را همراه دارند و برای دیگران کتاب‌های را معرفی می‌کنند.

نتیجه

بطور کلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که الگوهایی عدالت‌خواه بر زندگی جوانان فعال فرهنگی - تبلیغی افغانستان تأثیر فراوانی داشتند. لذا در این پژوهش پدیدارشناسی با روش مصاحبه به این نتیجه رسیدیم که الگوها براساس ویژگی‌های دینداری، ایثار، هویت‌بخشی، ظلم‌ستیزی و آرمانی بودن آنها انتخاب شدند. فعالان فرهنگی تبلیغی شیوه‌های ذیل را برای آشنایی الگوهای معرفی کردند.

۱. کتاب: روش خیلی مؤثر برای معرفی عدالت خواهان می‌باشد که فعالان بیشتر از این روش استفاده می‌کردند.

۲. فضای مجازی وسیله دیگری را که فعالان مدنظر گرفته بودند همین فضای مجازی است که با معرفی از شخصیت‌ها الگو مؤثر واقع می‌گردد.

۳. اساتید، دوستان و والدین از روش‌های دیگری بودند که فعالان یادآور آن شدند.

شایان ذکر است تأثیری که الگوها بر فعالان داشتند عبارت بوده است از:

۱. تغییر سبک زندگی و حرکت کردن به سمت راه حق.

۲. امید به تحقق آرمان عدالت‌خواهی.

فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. اخلاقی، غلام سرور، (۱۳۹۰)، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
۲. احمدزاده، محمدعالم، مفهوم‌شناسی تربیت در قرآن کریم.
۳. جاویدی، مجتبی، (۱۳۸۶)، قاموس عدالت، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. رئوفی، محمود، (۱۳۸۹)، مؤلفه‌های هویت دینی، (دین و ارتباطات)، ش اول و دوم.
۵. رحمانی، جبار و محمدرضا حاتمی، (۱۳۹۱)، عدالت در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. شریعت، فرشاد، (۱۳۸۹)، عدالت و سیاست، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام
۷. صادقی، ناصرحسین، (۱۳۹۰)، نقش امام در تربیت جامعه، مشهد: مجتمع آموزشی عالی مشهد.
۸. عادل حسینی، سیدجعفر و سیدمصطفی کاظمی، (۱۳۸۷)، از تولد تا شهادت، کابل: پامیر نشریه، ش ۳۱۰.
۹. فیاض، ایراندخت، ایمانی قوشچی، فریبا، (۱۳۸۸-۱۳۸۹)، بررسی نهادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و علوم اجتماعی دوره متوسطه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و ریاضی - فیزیک، فصلنامه روانشناسی تربیتی، ش ۱۷.
۱۰. سید قطب، (۱۳۹۲)، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمدعلی گرامی و سیدهادی خسروشاه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۱. منصور، علی و آریتا فریدونی، (۱۳۸۸)، تبلور هویت ملی در کتب درسی بررسی محتوای کتاب فارسی دوره ابتدایی، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲.